

بیرق افغانستان مظهر اتحاد ملی و همبستگی قاطبه ملت آن است بیرق جدایی طلبی شورای نظار نمایندگی از رویای تاجکستان بزرگ می نماید



بیرق زیبایی افغانستان بروی نقشه مبارک کشور ما مظهر اتحاد همه اقوام شریف آن است

بیرق همیشه نمایندگی از همبستگی و اتحاد مردم و ملل جهان نموده است که همه اقشار اجتماعی و نژاد های گوناگون در یک سرزمین را بهم می پیوندد. بیرق ارزشمند سرزمین ما که در عصر فرخنده اعلیحضرت «شاه امان الله غازی» به سه رنگ سیاه و سرخ و سبز که هریک مفهوم خاصی را بیان میدارد، ترتیب و مورد پسند و احترام همه اقوام و نسل های وطن ما «**به استثنای جمعیت - شورای نظار**» که تفرقه و تجزیه را بر یک افغانستان واحد و دارای تمامیت ارضی سالهاست که ترجیح میدهند و مؤفقیتی هم نصیب شان نمیگردد، شمرده می شود.

در ساحة جهانی و نزد ممالک مختلفه و تشکیلات بین المللی هم بیرق نمایندگی از وقار و حیثیت یک سرزمین شناخته شده و ارزش بسزایی دارد.

حال میرویم که بعد از استیلای کابل ذریعه طالبان، ولایت کوچکی مانند دره پنجشیر که بعد از جریان مذکور، به هزاران نفر از اهالی آندیار که مقیم شهر کابل بودند مملو میگردد به شمول «**بسم الله خان**» که امور وزارت دفاع را پیش میبرد و همچنان معاون اول ریاست جمهوری «**امراالله**

صالح» در حالیکه **«احمد مسعود»** که بعد از قتل پدر به ایران پناهنده شده و تحت تعلیم دستگاه استخباراتی **«واواک»** قرار گرفت و البته در مرحله بعدی با زندگی در انگلستان از تفقد **«ام آی ۶»** آنکشور مستفید گردید، تجمعی را در پنجشیر تشکیل **«*»** داند و اسم آنرا **«مقاومت دوم»** گذاشتند. درین زمینه قبل از تصرف کابل تعداد زیادی اسلحه ثقیله، ماشیندار و هیلی کوپتر های اردوی افغانستان به هدایت **«بسم الله خان»** هم به منطقه مذکور انتقال یافت که تعجبی هم ندارد! این قلم در همان اول مرحله این تجمع بی حاصل عرض نمودم که این آمران بیخرد مسئولیت هر قطره خونی که در آن منطقه کشور ریخته میشود را دقیقاً دارند که جان های زیادی فنا گردید و حتی خود مردم منطقه تناسب جدال پشه و فیل را متوجه نگردیدند و بیرق های نا مأوس و کاملاً نا آشنا به ملت افغانستان را بر افراشتند. ناگفته نماند که حتی اعلام نمودند که این قیام نمایندگی از همه ملت افغانستان می نماید؛ یقین که قیام را در پای همین بیرق ها که مشاهده میفرمایید سر و سامان میدادند..... ملت افغان که هیچ معرفتی با بیرق پوشالی آنها نداشته و آنرا به رسمیت نمی شناسند!



اینهم بیرق جدایی شمال و جنوب کشور که به هزاران آن فقط در همان منطقه کوچک خاک مقدس افغانستان در اهتزاز است

بدون تردید هر لوایی که با تصامیم زورمندان مقتدر درین کشور برافراشته گردد، جای بیرق ملی و محبوب و مورد پسند اقوام و مردم افغانستان را نخواهد گرفت، چنانچه در نیم قرن اخیر به کرات بیرق کشور ما با تغییرات سیاسی و تفوق گروپ های مختلفه، شکل دیگری یافت که بیدوام و نا آشنا باقی ماندند. بعد از ترتیب و پذیرش بیرق سه رنگ عنعنوی در عصر **«شاه امان الله»** قدرت های مختلفه به تدریج در دوره های جمهوریت داود خانی، عصر سیاه اشغال وطن و جمهوریت خابنیز

دیموکراتیک خلق، تنظیم های دست به خون و آتش ربانی، طالبان عهد دقیانوس دوره اول، همه و همه نا آشنا و مردود شناخته شدند.

در سال ۲۰۰۱ و در آستانه شکست طالبان ذریعه قوای بین المللی، بعد از سال ها اقامت در منطقه واشنگتن، برای بار اول به سفارت افغانی رفتم و در سرک های هم شکل، سرگردان گردیدم. درین احوال چشمم بالای یک عمارت زرد رنگ به زیبا ترین بیرق جهان، که با زیبایی خیره کننده ای با وزش باد در اهتزاز بود افتاد! بی اراده موثر را توقف دادم و به آن صحنه زیبا و استثنایی خیره ماندم و اشک شادی ای که از مشاهده بیرق سه رنگ سیاه، سرخ، سبز عنعنوی افغانستان بمن عارض گردید، از توصیف بیرون است.

امروز در کشوری که نزد ممالک جهان آزادی و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی داشته است، بیرق دیگری سوای آنچه را قانون و تعامل تائید می نماید، در منطقه ای که ساحه آن صرف چند قریه محدود را احتواء می کند، از چپ و راست در اهتزاز است و پسر «**احمد شاه مسعود**» تائید می نماید که پدرش، قهرمان ملی «**!!؟؟**» هم به این بیرق علاقمندی زیادی داشت. یا پرور دگار!



احمد مسعود در محفل تقدیر از هشتم ثور امسال که بیرق ملی و سرود ملی «*» موجود نبود
روز منحوس هشتم ثور که تنظیم های خون خوار و آتش افروز جهادی به افغانستان جنگ زده حمله ور گشتند و خاک پایتخت آنرا به توبره کشیدند و البته ۶۵ هزار ساکنان بی دفاع آن را به شهادت رسانیدند، هم مانند روز سیاه و خونین هفت ثور، هرگز قابلیت بزرگداشت ندارد، ولی چون «**برهان الدین ربانی**» بر اریکه تختی در ارگ جلوس نمود و «**احمد شاه مسعود**» به اشتیاق قدرت طلبی و مسابقه تسلیحاتی با «**گلبدین حکمتیار**» و بقیه تنظیم ها به کشتار زن و مرد و طفل بیگناه اشتغال ورزید، این سیاه روز تجلیل می گردد! دردا که در همین پنجشیر هم محفل برای بزرگداشت آن

روز شوم برگزار گردید که در آن صد ها تا ازین بیرق تفرقه و نفاق را به عوض بیرق ملی عنعنوی بر افراشتند و از سرود ملی افغانستان هم اثری نبود که این حرکت غیر ملی و علنی جدایی در مطبوعات و فضای مجازی بسیار خبر ساز گردید. لطفاً به تصاویر ضمیمه توجه بفرمایید.



احمد مسعود در مجلس بزرگداشت هشتم ثور امسال در پنجشیر با بیرق های غیر ملی جدایی

نوت:

«*» - در مورد استعمال بیجای کلمه «مقاومت» که در حفظ ناموس وطن و ارزش های والای ملی در مقابل متجاوزین بکار میرود، در زمان حکومت جمیعت ربانی و گروه شورای نظار مسعودی در سال ۱۹۹۶ که طالبان بدون داشتن اسلحه ثقیله و توپ و طیاره به کابل رسیدند، مقتدرین مذکور پای لچ و پای پت بعد از اخذ دارایی های بانک ها پا به فرار گذاشتند و در گوشه دورترین وطن یعنی «خواجه بهاء الدین» بدخشان پناه بردند و حتی به «کولاب تاجکستان» عقب نشینی کردند. بنابراین هیچ مقاومت اولی در کار نبوده است که حال در پنجشیر مقاومت دومی مطرح گردد.

«*» - این عکس و تبصره و تصویر جمیعت ۸ ثور، از راپور «فوکس پلس» اتخاذ گردیده است.

پایان